

حوزه‌های وحدت، عوامل و راهکارهای ایجاد آن از منظر قرآن

غلامرضا شهرکی فلاح*

تاریخ دریافت: ۹۶/۵/۳

تاریخ پذیرش: ۹۶/۹/۱۳

چکیده

از مهم‌ترین ضروریات مکتب اسلام وحدت اسلامی می‌باشد. این مقاله با بکارگیری روش کتابخانه‌ای و تحلیل داده‌ها در صدد تبیین حوزه‌های وحدت و راهکارهای ایجاد آن است. مسأله وحدت به قدری حائز اهمیت است که از همان صدر اسلام مورد توجه بوده، به گونه‌ای که در آیات بسیاری از قرآن به صورت تلویحی - در آیات مکی - و تصریحی - در آیات مدنی - آمده است. انواع وحدت در سه حوزه جوامع بشری، ادیان و اسلام مطرح است. وحدت در حوزه جوامع بشری در آیاتی همچون ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا﴾ (الحجرات/۱۳) نمود می‌یابد. در حوزه وحدت ادیان، مصادیقی از جمله مصدق هم بودن کتب آسمانی، یکسانی ملاک جزا و پاداش در مورد همه انسان‌ها و پیروی از دین واحد/براهیم اهمیت می‌یابد. در حوزه وحدت اسلامی هم عواملی همچون قرآن، توحید، کتاب و ... نقش محوری داشته و مواردی چون تحکیم مشترکات، مدارا، انصاف و ... به عنوان راهکارهای ایجاد آن هستند.

کلیدواژگان: جوامع بشری، ادیان، اسلام، آیات، مفسران، امت واحده، توحید.

مقدمه

وحدت اسلامی به این معناست که همه مسلمانان از هر ملت و مذهبی بر محور باورهای دینی، منافع و اهداف مشترک گرد هم آیند و برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت و قرب الهی، با همدلی تلاش کرده و به رفع موانع فراروی خود همت گمارند، به نحوی که هیچ یک از اختلافات و نظریات فقهی، حزبی، کلامی و تاریخی نتواند خدشه‌ای به آن وارد سازد. این مسأله از موضوعاتی است که از همان بدو ظهور اسلام با تکیه بر تعالیم روحبخش آسمانی مورد توجه پیامبر(ص) بوده است. ایشان همواره تلاش داشتند تا از طریق مبادی و اصول اسلامی، مسلمانان را از تفرقه و اختلاف باز داشته و اتحاد و انسجام اسلامی را که در قرآن به آن اشاره شده، تا حد امکان تحقق بخشند. اما پس از رحلت ایشان، به دنبال واقعه بنی ساعده، مسیر اسلامی دچار انحراف شده و اختلاف عمیقی میان مسلمانان پدید آمد.

اما حضرت علی(ع) و دیگر ائمه(ع) بارها در قالب خطبه‌ها و سخنرانی‌های مختلف سعی نمودند که مسلمانان را از فتنه تفرقه و اختلاف حفظ نمایند. این مسأله نه تنها در آن زمان و دوران بعد از آن از اهمیت بسزایی برخوردار بوده، بلکه از مهم‌ترین ضروریات جامعه اسلامی در عصر حاضر است. در واقع وحدت مسلمانان، در حال حاضر که جهان اسلام در حساس‌ترین مراحل حیات خود قرار دارد، از اصلی‌ترین ایده‌ها و راه حل‌های پیشنهادی برای رویارویی با چالش‌های پیش رو است. از این رو این پژوهش بر آن است با بیان انواع وحدت در قرآن، به طور ویژه وحدت اسلامی را مورد ارزیابی قرار داده و انواع و عوامل ایجادکننده آن را متذکر شود. اما قبل از آن بیان اهمیت این مسأله ضرورت می‌یابد.

پیشینه پژوهش

در مورد وحدت اسلامی تا کنون پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است؛ کتاب «امامان شیعه و وحدت اسلامی» تألیف علی آقانوری که در آن به بیان مخالفان زمان ائمه(ع) و تنازعات درونی شیعه، سیره عملی معصومین(ع) در پرهیز از تفرقه و ... پرداخته است؛ «اسلام آیین همبستگی» نوشته عبدالکریم بی آزار شیرازی که در واقع

ترجمه مقالات علمی و اصلاحی رجال تقریب مذاهب اسلامی می‌باشد، غالباً به بیان دیدگاه علمای معاصر در باب تقریب پرداخته است؛ «غدیر محور وحدت اسلامی» تألیف علی اصغر رضوانی، که در آن مسأله وحدت را تنها با مبنا قراردادن خطبه غدیر مورد بررسی قرار داده است؛ «تأملی بر مسأله وحدت اسلامی از دیرباز تا دیروز با تکیه بر جنبش اتحاد اسلامی»، تألیف محمد حسین اردوش که با بررسی دقیق و موشکافانه عملکرد امویان، عباسیان و سایر حکومت‌هایی که بر سرزمین‌های اسلامی حکمرانی کرده‌اند، سبقت وحدت بر تفرقه را اثبات می‌نماید؛ «لعن‌های نامقدس» نوشته حجت الاسلام مهدی مسائلی که در آن به بررسی مسأله لعن‌های غیرمجاز به عنوان یکی از موانع ایجاد وحدت پرداخته و دیگر موانع ایجاد وحدت را متذکر نشده، نمونه‌ای از آثار نوشته شده در زمینه وحدت اسلامی هستند.

همچنین مقاله «تمسک به قرآن و عترت تنها راه وحدت در نگرش فریقین» تألیف فدا حسین عابدی که تنها قرآن را عامل وحدت معرفی کرده و به بیان سایر موارد در این باره پرداخته است؛ «اندیشه وحدت اسلامی در عصر حاضر» تألیف علامه سید مرتضی عسکری که در آن با تقسیم‌بندی وحدت به دو نوع عملی و علمی، به اختصار به بیان نمونه‌هایی از هر یک پرداخته است؛ «چالش‌های وحدت و راهبرد رویارویی کنکاشی در تشخیص موانع وحدت و تقریب و راه‌های برطرف‌ساختن آن‌ها» تألیف محمد عبو که بیش‌تر موانع وحدت در جامعه کنونی همچون کمین کفار به‌ویژه وهابیت نسبت به مسلمانان، فتنه انگیزی، جهل و هوای نفس، ادعای تحریف قرآن از سوی شیعه توسط برخی و ... را بیان کرده است؛ «بررسی مبانی تقریب امام خمینی و مولانا» نوشته سید حسن مهدی کاظمی که به مقایسه دیدگاه‌ها در مورد وحدت نزد دو تن پرداخته و متذکر آیات قرآن در این باره نشده؛ نمونه‌های دیگری از این آثار هستند.

چنانکه مشاهده شد، غالب این آثار به بیان مباحثی پیرامون وحدت اعم از بحث لغوی و اصطلاحی، سیره عملی ائمه(ع) در این باره، چالش‌ها و موانع موجود در مسیر وحدت به‌ویژه در عصر حاضر، دیدگاه علمای متأخر در بحث تقریب مذاهب اسلامی و مقایسه دیدگاه‌ها پرداخته‌اند و کم‌تر این مبحث را به طور تخصصی در قرآن متذکر شده‌اند. در آثاری هم که به بررسی این مسأله در قرآن پرداخته‌اند، متذکر حوزه‌های وحدت در قرآن

و تقسیم‌بندی آیات مربوطه با ذکر مراتب در این باره، آنگونه که در این مقاله آمده، نشده‌اند. از این رو، این مقاله که یک کار موردی است، به طور ویژه به بیان این مسأله پرداخته است.

پیشینه تاریخی بحث وحدت

پیدایش مفهوم و معنای وحدت حداقل به آغاز آفرینش حضرت آدم(ع) برمی‌گردد؛ زیرا اساسی‌ترین و ابتدایی‌ترین دستور الهی، توحید و نفی شرک بوده و بر اساس این اصل والا، خداوند، آدم(ع) و امت‌های اولیه را به یکدلی و وحدت دعوت می‌کند و زمینه‌های ایجاد یک امت واحد را در آن‌ها ایجاد می‌نماید؛ به طوری که قرآن انسجام و یکپارچگی را از شاخصه‌های اقوام و ملل نخستین ذکر کرده و می‌فرماید: ﴿وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَفُوا﴾ (یونس/۱۹).

در واقع آنچه را که ما امروزه جامعه متحد می‌نامیم، در قرآن در آیه ﴿كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ﴾ (البقره/۲۱۳) از آن جهت به «امت واحده» تعبیر شده و امت واحده نیز امتی است که دینی استوار و عقایدی صحیح دارند و احکام شریعت بر زندگی و اعمالشان جاری است. امتی که روابط بعیده و قومی و نظائر آن، سبب ارتباطشان نیست؛ بلکه روابط قریبه آن‌ها را به هم پیوند می‌زند که آن رابطه همان رابطه اهتداء به نور خدا و دعوت به توحید و اجرای شرع و تبعیت مردم از احکام است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳/۸۰۶).

علاوه بر قرآن در کلام و سیره معصومین هم این مسأله مطرح شده است. پیامبر(ص) جامعه اسلامی را به پیکر واحد تشبیه کرده و می‌فرماید: «داستان مؤمنان در همگامی و مهربانی نسبت به هم، چون داستان جسد است. هنگامی که بعضی از اعضای انسان دچار رنجی می‌گردد، سایر اعضای بدن انسان واکنش نشان داده و دچار تب و بی‌خوابی می‌گردند» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۸۷/۱۵). حضرت علی(ع) هم که در سایه مکتب پیامبر(ص) بوده و دستورات اسلامی را از ایشان فرا گرفته‌اند، تکامل مادی و معنوی امت اسلامی را در انسجام و اتحاد اسلامی دانسته و با رفتارهای سیاسی، اجتماعی و مذهبی خویش در صدد اتحاد هرچه بیش‌تر جامعه اسلامی بودند. ایشان می‌فرمایند: «بدان هیچ

کس از من بر اتحاد و همبستگی در امت محمد(ص) حریص‌تر نیست، من در این کار خواستار پاداش نیکو و بازگشت به جایگاه نیکو هستم»(نهج البلاغه: نامه ۷۸).
دیگر ائمه(ع) هم به این مهم تأکید داشته‌اند. به عنوان مثال از امام صادق(ع) منقول است که خطاب به زید شحام فرمودند: «ای زید، با مردم (اهل سنت) با اخلاق خودشان معاشرت کنید، در مساجدشان نماز بخوانید، مریض‌هایشان را عیادت کنید، در تشییع جنازه‌هایشان شرکت کنید و اگر توانستید امام جماعت و یا مؤذن آن‌ها شوید، این کار را بکنید...»(کلینی، ۱۳۸۸: ۱۷۴/۲)، در جای دیگر فرمودند: «کسی که همراه اهل سنت در صف اول نماز بخواند همانند کسی است که پشت سر رسول خدا نماز گزارده است»(حر العاملی، ۱۴۱۴: ۳۰۰/۸).

از این رو مسأله وحدت به‌ویژه وحدت اسلامی مسأله نوظهور و نظریه جدیدی نیست که مربوط به سال‌های اخیر باشد، بلکه از همان ابتدا مورد توجه بوده و به دلیل اهمیت و حساسیت موضوع، همواره به آن سفارش شده است. اما چیزی که هست این است که در سال‌های اخیر اهمیت این مسأله بیش از پیش مطرح شده و حتی عده زیادی از علما همچون امام خمینی(ره) به آن فتوا داده‌اند.

اهمیت و ضرورت وحدت اسلامی

ضرورت وحدت و پرهیز از اختلاف، به منظور سربلندی امت‌ها، بر هیچ کس پوشیده نیست، امروزه کم‌تر کسی را می‌توان یافت که در ضرورت وحدت مذاهب اسلامی، شک و تردید کند، چراکه مطالعات تاریخی و مشاهدات کنونی، این حقیقت را ثابت کرده که تفرقه، خواست دشمنان اسلام است. در واقع سعادت و شقاوت ملت‌ها در گرو وحدت یا تفرقه آنان است و همواره در طول تاریخ، آن ملتی سعادت‌مند بوده است که مردم آن با هم برادر باشند، زیرا هرگاه به سوی جدایی حرکت کرده‌اند، به همان اندازه از سعادت فاصله گرفته‌اند. از طرفی از آنجا که امروزه استبداد و استکبار جهانی با تمام توان، جهان اسلام را نشانه گرفته و برخی کشورهای اسلامی را عملاً تسخیر نموده، وحدت اسلامی بیش از پیش ضرورت یافته است، از این رو تنها راه بیرون‌رفتن از معضلات کنونی، وحدت و اتحاد مسلمانان خواهد بود. در این میان قرآن و معصومین(ع) بیش از همه به

این مسأله توصیه کرده‌اند. قرآن مجید به عنوان برنامه سعادت بشری، از این مهم پرده برداشته و الفت و برادری را نعمت و جدایی و تفرقه را هم‌ردیف عذاب می‌داند. آیه ﴿واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا واذكروا نعمت الله عليكم اذ كنتم اعداء قال فبين قلوبكم فاصحتم بنعمته اخواناً﴾ (آل عمران / ۱۰۳) و آیه ﴿قل هو القادر على ان يعثب عليكم عذاباً من فوقكم او من تحت ارجلكم او يلبسكم شيعاً ويذيق بعضكم بأس بعض انظر كيف نصرنا الايات لعلهم يفقهون﴾ (الانعام/۶۵) از این نمونه هستند.

این تأکید اسلام و اهمیت مسأله موجب شد تا از همان ابتدا همواره پیامبر(ص)، ائمه اهل بیت(ع) و عالمان جهان اسلام، به این امر بیندیشند و در صدد حل این مشکل برآیند. از این رو می‌بینیم از اولین اقداماتی که پیامبر(ص) در آغازین روزهای حکومت اسلامی در مدینه انجام داد، ایجاد اخوت بین مسلمانان بود، که پیوندی به مراتب استوارتر و محکم‌تر از اتحاد را شامل می‌شد. ایشان در دوران رسالت و حکومت خود در مدینه با هرگونه حرکتی که منجر به اختلاف میان مسلمانان می‌شد به شدت برخورد می‌نمود. حفظ وحدت جامعه اسلامی به حدی اهمیت داشت که حتی اگر ساختن مسجد باعث تضعیف اجتماع مسلمانان می‌شد، آن مسجد باید تخریب شود.

در کلام ائمه معصومین(ع) هم اهمیت این امر نمایان است تا جایی که حضرت علی(ع) همبستگی را زمینه ریزش فیض الهی و وحدت را از ارمغان‌های بعثت پیامبر(ص) بیان می‌کند(نهج البلاغه: خطبه ۱۷۵).

ایشان در جای دیگر خود را حریص‌ترین افراد نسبت به وحدت اسلامی دانسته و در این باره می‌فرماید: «لَيْسَ رَجُلٌ فَاغْلَمَ أُخْرَصَ [النَّاسِ] عَلَى جَمَاعَةٍ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ (ص) وَأَلْفَتْهَا مِنِّي أُتْبِعِي بِذَلِكَ حُسْنَ الثَّوَابِ وَكَرَمَ الْمَأْبِ» (همان: نامه ۷۸). از این رو مشاهده می‌شود که مسأله وحدت از یک سو با توجه به شرایط جامعه، ضرورت عقلی دارد و از سوی دیگر آیات و روایات نیز بر این اصل تکیه کرده و آن را لازم دانسته‌اند.

انواع وحدت

به طور کلی در عرصه اجتماعی می‌توان وحدت را در سه حوزه جوامع بشری، ادیان توحیدی و اسلامی تعریف کرد.

۱. وحدت در حوزه جوامع بشری

یکی از حوزه‌هایی که در زمینه وحدت در قرآن مطرح شده، وحدت در حوزه جوامع بشری است. از دیدگاه قرآن و روایات، دین اسلام جهان‌شمول است، زیرا یکی از تعبیرات و خطاب‌های قرآن، با کلمه «الناس» است، آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا» (الحجرات/۱۳) به این مهم اشاره دارد.

این دعوت همگانی که پذیرش دین اسلام است و رستگاری بشریت در آن می‌باشد، در آیه «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ...» (آل عمران/۱۹): «در حقیقت، دین نزد خدا همان اسلام است...» آمده است. البته این سخن به این معنا نیست که قرآن برنامه‌ای برای تعامل با کسانی که منکر دین اسلام هستند ندارد؛ بلکه مطابق آیه «وَلَنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْتَنِبْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (الانفال/۶۱)، به پیامبر (ص) امر شده که اگر مشرکین مایل به صلح و ورود به اسلام باشند، بر آنان بال صلح بگسترانند.

از این رو اگرچه خداوند در آیات متعدد مانند آیه «فَإِذَا نَسَخَ الْأَشْهُرَ الْحُرْمَ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُواهُمْ وَاحْضَرُواهُمْ وَأَقْعِدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (التوبة/۵)؛ آیه «الْمُتَرِّبِينَ الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمُ وَيَخْلَفُونَ عَلَى الْكُذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» (المجادله/۱۴) و آیه «إِنَّمَا يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُواكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (الممتحنه/۹)، مسلمانان را از هرگونه ارتباط با کفار و مشرکین حربی، منع کرده، اما از سوی دیگر در کنار این آیات، با توجه به آیه «وَلَنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجْرُهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغَهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ» (توبه/۶) ارتباط مسلمانان با جوامع بشری (کفار و مشرکین غیر حربی) منع نشده؛ بلکه طبق آیه «لَا يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ عَنِ الَّذِينَ لَعِنُوا فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (الممتحنه/۸)، به نیکی و عدالت در مورد آنان حکم شده است.

با این وجود، اسلام حد و مرز اتحاد در حوزه جوامع بشری را مطرح کرده که یکی از آن‌ها عدم تجاوز به حریم امنیت مسلمانان است (نک. سوره الممتحنه/ آیات ۹-۱).

این مطلب در سیره و سخنان پیامبر (ص) (یعقوبی، ۱۴۱۹: ۳۷۳/۱) و حضرت علی (ع) آنجا که می‌فرماید: «أشعر قلبك الرحمة للرعية واللطف بهم...» (نهج البلاغه: نامه ۱۹):

«مهربانی به رعیت و دوست داشتن آن‌ها و لطف در حق ایشان را شعار دل خود ساز»، هم مشاهده می‌شود.

۲. وحدت در حوزه ادیان توحیدی

یکی دیگر از انواع وحدت که در قرآن مطرح شده، وحدت در حوزه ادیان توحیدی است که در واقع می‌توان گفت وحدت اعتقادی است. از آیات قرآن می‌توان فهمید که این وحدت از اهمیت فراوانی برخوردار است و خداوند آن را در چارچوب توحید بنا نهاده است. مطابق آیه «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيُّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (الروم/ ۳۰)، دینی که فطرت الهی به آن دعوت می‌کند، تغییرناپذیر است، زیرا دین چیزی جز سنت حیات و راه و روشی که باید پیش گرفت تا به سعادت رسید نیست.

شایان ذکر است که مراد از دین طبق بیان مفسران (نک. طبرسی، ۱۳۷۷: ۴۸۶/۸؛ طیب، ۱۳۷۸: ۳۸۴/۱۰)، یکتاپرستی است که مطابق فطرت انسان باشد و این مطلب در مورد همه ادیان مطرح است، هرچند برخی از این ادیان کنونی تحریف شده‌اند. اما با این همه دین، مهم‌ترین عامل رفع اختلاف است و افراد را حول محوری واحد جمع می‌کند. گفتنی است این وحدت از مسائلی است که در قرآن به دفعات متعدد با بیانات گوناگون به آن اشاره و یا تصریح شده است. زیرا قرآن روح کلی حاکم بر ادیان را یکی دانسته و همه را دارای یک جهت و هدف می‌خواند که این هدف همان توحید است که دعوت به عقاید استوار، ایمان و عمل صالح را شامل می‌شود. در واقع ادیان در اصول اعتقادی خود اختلافی ندارند، اما طرح این مسائل به فراخور مخاطبین، سطح معرفت و شناخت ایشان و به مقتضای زمان، دارای تفاوت‌هایی است، یعنی مسائل در حد مخاطبین بیان و اصول و احکام به طور کامل ذکر شده است. در عین حال بر همه ادیان روح اسلام و تسلیم در برابر حق حاکمیت دارد.

گفتنی است این نوع وحدت، خود دارای حوزه‌هایی است که عبارت‌اند از:

مصدق هم بودن کتب آسمانی: یکی از مواردی که قرآن در حوزه وحدت ادیان مطرح می‌کند، این است که کتاب‌های آسمانی مصدق هم و انبیاء نیز مؤید یکدیگرند. این

مسأله در برخی از آیات بیان شده است. آیه ﴿وَأْمُنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أُولَٰ كَافِرِينَ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ﴾ (البقره/۴۱) از این نمونه است. مطابق این آیه، به یهود امر شده که به قرآن که مصدق تورات شما است، ایمان بیاورید، زیرا در حقیقت ایمان به قرآن، ایمان به تورات است، زیرا همان‌طور که در قرآن به نبوت پیامبر (ع) تصریح شده و اعتراف به آن را واجب دانسته، تورات و انجیل نیز به آمدن آخرین پیامبر بشارت داده و صفات ایشان را بیان کرده‌اند، از این رو قرآن مصدق آن کتاب-هاست (طبرسی، ۱۳۷۷: ۱۴۹/۱).

آیه ﴿قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلٰی قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللّٰهِ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرٰى لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ (البقره/۹۷) نیز با ذکر عبارت «مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ» این مطلب را بیان می‌کند.

شاهد دیگر، آیه ﴿آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللّٰهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفِرُّ قُبَّيْنًا أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾ (البقره/۲۸۵) است که با ذکر عبارت «لَا نُفِرُّ قُبَّيْنًا أَحَدٍ» عمل یهود و نصارا که میان موسی، عیسی و محمد تفاوت قائل شده و ادیان جداگانه‌ای را ایجاد کردند، رد و بیانگر آن است که رسالت انبیاء در یک امتداد و جهت می‌باشد.

بر همین اساس، اسلامی که پیامبر (ص) آورده، چیزی جز دین واحد جاودان نیست که امتداد رسالت انبیاست و ضمیمه ادیان گذشته، عامل اتحاد بین تورات و انجیل و هر آنچه مایه خیر و سعادت بشر در آینده می‌باشد است. لذا بین تمامی بشریت عقد اخوت برقرار می‌سازد تا گروه، حزب و قوم نگردند، بلکه فقط بنده او و متمسک به عهدی که از آغاز حیات هیچ تغییر و تبدیلی نپذیرفته است باشند (سید قطب، ۱۴۱۲: ۱/۳۶۷ و ۳۶۸).

در نظر گرفتن ایمان و عمل صالح به عنوان تنها ملاک پاداش: آیاتی که در این زمینه ذکر شده، از صدها آیه تجاوز می‌کند و کم‌تر سوره‌ای است که به این مهم اشاره نکرده باشد. آیه ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئُونَ وَالتَّصَارِي مَنْ آمَنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (البقره/۶۲) از نمونه‌های برجسته در این زمینه است. آیه دیگر در این زمینه، آیه ﴿بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلّٰهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (البقره/۱۱۲) است که در پاسخ به اهل کتاب، سعادت واقعی انسان

را دائر مدار اسامی و نامگذاری ندانسته و تنها ملاک تمایز را ایمان و عمل صالح که در اینجا با لفظ احسان آمده می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۸۹/۱).

فراخواندن همه به پیروی از یک دین واحد: دسته دیگری از آیات که در حوزه وحدت ادیان مد نظر است، آیاتی هستند که به پیروی از یک دین واحد فرا می‌خواند. در برخی از این آیات مانند آیه ﴿وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدِ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ﴾ (البقره/۱۳۰) دین واحد، آیین /براهیم و در برخی دیگر، دین اسلام است که در واقع هر دو یکی هستند.

آیات ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ... فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ﴾ (آل عمران/۱۹-۲۰)؛ ﴿أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْتَغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ﴾ (آل عمران/۸۳) و ﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ (آل عمران/۸۵) نیز از این نمونه هستند.

علاوه بر آیات قرآن، این مسأله در سیره پیامبر (ص) و ائمه (ع) هم دیده می‌شود، به عنوان مثال پیامبر (ص) (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱۲/۱۹-۱۱۰) و حضرت علی (ع) (نهج البلاغه: نامه ۵۱) برای حفظ منافع و ارزش‌های مشترک با اهل کتاب، پیمان‌های مشترک امضاء می‌کردند و ادیان توحیدی را در آمال و مقاصد، به عنوان یک ملت تلقی کرده و در عرصه اجتماعی حقوق همسان برای مسلمانان قائل بودند. گرچه آیاتی از قرآن شرک اهل کتاب را مطرح می‌کند، اما طبق احادیث (نک. کلینی، ۱۳۸۸: ۳۹۸/۲؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۸۶/۲؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۱۲۱/۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۳۰/۳) و گفتار صریح دانشمندان اسلامی و فهم مفسران (نک. طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۴۵/۹)، امر مسلم در این باره این است که نسبت شرک در این گونه آیات به معنای اصطلاحی آن نیست، بلکه در آن‌ها مجاز در اسناد به کار رفته است، چنانچه این نوع شرک در آیه ﴿وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمُ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ...﴾ (یوسف/۱۰۶) در مورد مسلمانان هم به کار رفته است؛ اما در کنار این ارتباطات و تعاملات با اهل کتاب، یک سری حد و مرزها نیز مطرح شده است؛ برای نمونه آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ (المائده/۵۱)، از این دست آیات است که از دوستی و

اعتماد مطلق که موجب علاقه شدید بین مسلمانان و اهل کتاب بشود منع نموده است (طیب، ۱۳۷۸: ۳۹۲/۴).

وحدت در حوزه اسلام: در میان اقسام حوزه‌های وحدت که در قرآن مطرح شده، می‌توان گفت مهم‌ترین آن، وحدت در حوزه اسلام است. مقصود از این نوع وحدت آن است که پیروان هر یک از مذاهب گوناگون اسلامی در عین حال که عقاید و احکام خاص آن مذهب را برای خود حفظ می‌کنند و به آن پایبندند. در روابط اجتماعی، سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی خود با سایر مسلمانان دیگر، همسو و تابع مصالح اسلام و امت اسلامی باشند. اتحاد در این زمینه یکی از مهم‌ترین ارزش‌های اسلامی است و از دیدگاه قرآن و حدیث اهمیت بسیاری دارد. در واقع آیات قرآن نه تنها توجهی خاص به وحدت مسلمین دارد، بلکه در صدد تشکیل امت واحده‌ای است که اساس آن توحید، برادری و اخوت است. قرآن برای ایجاد چنین جامعه‌ای یک سیر تدریجی و رو به تکامل دارد. یعنی ابتدا آنچه را لازمه ایجاد یگانگی و وحدت است، مطرح می‌کند، سپس به مسلمانان فرمان می‌دهد که همگی متحد شوند.

از این رو مشاهده می‌شود که در این زمینه در آیات مکی و مدنی تفاوتی قابل ملاحظه وجود دارد. به این ترتیب که در آیات مکی زمینه‌های فکری تفرقه را می‌زداید و دل را برای الفت و وحدت آماده می‌سازد، اما به طور صریح مسلمانان را به وحدت دعوت نمی‌کند. در حالی که در آیات مدنی علاوه بر مسائلی که در آیات مکی است، صراحتاً مسلمانان را به وحدت دعوت نموده و آن‌ها را از تفرقه بر حذر می‌دارد، یعنی این مسأله در عمل مطرح می‌شود و به یک قانون و یک حکم اجتماعی و شرعی تبدیل می‌شود (شاکر، ۱۳۷۹: ۴۹).

مراتب آیات در دعوت تدریجی به وحدت

آیاتی که در این زمینه هستند، به چند دسته قابل تقسیم است:

۱. آیات مبین نکوهش تفرقه

یکی از آیاتی که در این زمینه قابل توجه است، آیه **﴿قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْسِكُمْ سُيُوفًا وَيُدْبِقَ بِعَضِّكُمْ بِأَسْبَاطِمْ كَيْفَ نَصَرَفُ الْآيَاتِ﴾**

لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ﴾ (الانعام/۶۵) است، طبق این آیه خداوند از یک طرف تفرقه‌انداختن را از جمله تهدیدات دانسته و از طرف دیگر آن را هم‌ردیف عذاب‌های زمینی و آسمانی نام می‌برد. این هم‌ردیفی نشان می‌دهد که تفرقه باید امری خطرناک باشد که خداوند اینگونه آن را بیان کرده است.

نمونه دیگر آیه ﴿إِنَّ الَّذِينَ فَزَعُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾ (الانعام/۱۵۹) است که در آن به پیامبر (ص) امر می‌کند که از کسانی که دین را فرقه فرقه کردند، نباید متابعت کنی، بلکه آن‌ها باید به کلمه واحد تابع تو شوند و مطابق با دستور تو رفتار کرده و در این زمینه مخالفتی نکنند (طیب، ۱۳۷۸: ۲۵۶/۵).

۲. آیات مبین اختلافات پیشینیان

دسته‌ای دیگر آیاتی هستند که به نوعی با بیان اختلاف پیشینیان از تفرقه بر حذر می‌دارد. تفرقه‌انداختن فرعون میان قوم خود که در آیه ﴿إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضَعِفُ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِ نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ﴾ (القصص/۴) بیان شده، از این نمونه است.

نمونه دیگر آیه ﴿إِنَّمَا جُعِلَ السَّبْتُ عَلَى الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ﴾ (النحل/۱۲۴) است که به بیان اختلاف بنی‌اسرائیل می‌پردازد. بر اساس این آیه، بنی‌اسرائیل مأمور شدند روز شنبه را محترم شمارند، در حالی که به آن‌ها دستور داده شده بود که این مطلب را در مورد روز جمعه رعایت کنند، از این رو آن‌ها در این-باره اختلاف کردند، اما برخی دیگر می‌گویند یهودیان در مورد روز شنبه و یکشنبه اختلاف کردند، گروهی گفتند بهترین روز شنبه است زیرا خداوند در این روز از خلقت فارغ شد، گروهی می‌گفتند بهترین روزهای هفته یکشنبه است، زیرا روز آفرینش در این روز است (طبرسی، ۱۳۷۷: ۴/۶). آیات بیانگر اختلاف نصارا مانند آیه ﴿فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُونَ نَالِكِينَ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾ (مریم/ ۳۷ و ۳۸) نیز از این نمونه آیات است.

۳. آیات مبین وحدت امت واحد

از دیگر آیات مبین وحدت، آیاتی است که وحدت امت واحد را متذکر می‌شود. بارزترین نمونه در این باره، آیه ﴿وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ

لَقَضِيَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَفُونَ» (یونس/۱۹) است. این آیه که به فطرت توحیدی اشاره دارد، اولین آیه‌ای است که امت واحده بودن بشر را متذکر می‌شود. البته با توجه به آیه قبل «وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ...» که می‌فرماید: «مردم راه ضلالت را پیمودند و چیزهایی را که سود و زیانی برایشان نداشت می‌پرستیدند و شفیعی را برای خود قرار داده که دین صحیح، آن‌ها را معرفی نکرده بود»، می‌توان نتیجه گرفت که مردم قبل از پدید آمدن این جریان، امتی واحد بوده باشند و مقتضای امت واحد بودنشان این است که همه بر یک دین بوده که این دین هم دین توحید بوده و بعدها دچار اختلاف شده و به دو گروه موحد و مشرک متفرق شدند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴۳/۱۰). از این رو گفتار افرادی (آلوسی، ۱۴۱۵: ۸۹/۱۱) که می‌گویند منظور از «ناس» در این آیه، عرب است که دین واحد و حقی که همان دین ابراهیم است، داشتند، صحیح نخواهد بود، زیرا چنین معنایی از ظاهر آیه استنباط نمی‌شود.

همچنین سخنان کسانی (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۶۱/۱۷) هم که می‌گویند مراد از «ناس» همه مردم هستند که همگی دارای فطرت اسلام و توحید بودند، هرچند از جنبه‌های دیگر همیشه تفاوت داشتند، نادرست است، زیرا با توجه به ظاهر این آیه و آیاتی نظیر «وَمَا تَقْرُؤُا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًّا بَيْنَهُمْ» (الشوری/۱۴) و «وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوْتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًّا بَيْنَهُمْ» (آل عمران/۱۹) با در نظر گرفتن واژه «بعد»، آیه به این معناست که مردم هر یک در زمانی بر دین فطرت و پیرو دین حق بوده‌اند و در زمانی دیگر به انگیزه دشمنی‌هایی که با یکدیگر داشته‌اند، در دین اختلاف کرده‌اند. دیدگاه دیگر این است که مراد از «ناس» همه مردم هستند، زیرا همه مردم در کفر و شرک ملت واحدی بودند و پس از آمدن انبیاء مختلف شده، به گونه‌ای که برخی کافر و برخی هم مسلمان شدند (طبرسی، به نقل از ابن عباس، حسن و کلبی؛ ۱۳۷۷: ۲۷/۳). البته علامه طباطبایی (۱۴۱۷: ۴۴/۱۰) این دیدگاه را جزو سخیف‌ترین اقوالی می‌داند که در این باره بیان شده، زیرا نه دلیلی بر این گفته موجود است، نه ظاهر آیه آن را تأیید می‌کند.

۴. آیات مبین پیروی از صراط مستقیم

دسته دیگر آیاتی است که متذکر پیروی از صراط مستقیم شده است. با دقت در ترتیب نزول آیات در این باره، مشاهده می‌شود که دعوت به صراط مستقیم با

زمینه‌سازی‌های قبلی طرح شده است، به این صورت که ابتدا خداوند با طرح مسائلی قباحت تفرقه را بیان و امم اختلاف‌کننده را به روز قیامت انذار می‌دهد و برخی از اختلافات امم پیشین را بازگو می‌کند تا برای مسلمانان درس عبرتی باشد و در واقع اصل بشر را بر امت واحده می‌داند. از طرفی گروه گروه شدن را عذاب می‌نامد تا اذهان را برای تبعیت از صراط مستقیم و اتحاد راه و هدف آماده کند (برای توضیح بیشتر، نک. شاکری، ۱۳۷۹: ۵۸). آنگاه می‌فرماید: ﴿وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (الانعام/۱۵۳). مطابق این آیه، نتیجه پیروی نکردن از صراط مستقیم، تبعیت از راه‌های مختلف و پراکندگی و در نتیجه دور شدن از راه خداوند دانسته شده است. از منظر قرآن اتحاد مؤمنان، یکی از نعمت‌های الهی، و اختلاف و تفرقه، عذاب خداوند است. در همین راستا، قرآن زمان جاهلیت را به گودال آتش تفرقه و اختلاف تشبیه می‌کند که با نعمت اسلام این تفرقه به اتحاد و همدلی تبدیل شد. آیه ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ (آل عمران/۱۰۳) بیانگر این مطلب است.

علاوه بر قرآن این مسأله در روایات هم دیده می‌شود. در سیره حضرت علی (ع) به روشنی دیده می‌شود که ایشان چه قبل از خلافت و چه در دوران خلافت به مسأله اتحاد امت پرداخته و از طرح موضوعات تفرقه برانگیز پرهیز می‌نمود. گفتار ایشان در خطبه «أيهما الناس شقوا امواج الفتن بسفن النجاة و عرجوا عن طريق المنافرة وضعوا تيجان المفخرة...» (نهج البلاغه: خطبه ۵) مؤید این مطلب است. از نگاه ایشان، وحدت و اتحاد منشأ تجلی و قدرت خدا است و در سایه آن است که می‌توان طاغوت را از بین برد (همان: خطبه ۱۶۲).

عوامل ایجاد وحدت اسلامی

قرآن به عنوان مهم‌ترین منبع استنباط مسائل دینی، موارد زیر را به عنوان عوامل ایجاد وحدت اسلامی معرفی می‌نماید:

۱. توحید

بر اساس جهان‌بینی اسلامی، جهان بر اساس توحید و وحدت بنا شده و خداوند خالق همه موجودات می‌باشد. در واقع ایمان به خداوند است که قلب‌های مؤمنان را نسبت به هم مهربان و همسو می‌کند، گویی همه آنان روح واحد دارند. آیه ﴿وَالْفَبَّيْنُ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (الانفال/۶۳)، مؤید این مطلب است.

در آیه ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾ (آل عمران/۶۴) هم خداوند از اصل توحید به عنوان عامل مهم وحدت ادیان یاد کرده است. در این آیه که خطاب به اهل کتاب است، در حقیقت دعوت به این است که همه بر معنای یک کلمه متفق و جمع شویم، و بر مبنای آن کلمه واحده عمل کنیم. لذا این کلمه را به خود نسبت داده که بفهماند که این کلمه همان چیزی است که همه از آن دم می‌زنند و بر سر همه زبان‌هاست.

گفتنی است کلمه «سواء» در اصل مصدر بوده، اما در معنای صفت نیز استعمال می‌شود. از این رو معنای جمله «سواءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ» این است که این کلمه، کلمه‌ای است که تمسک به آن و عمل به لوازمش بین ما و شما مساوی است و قرآن، تورات و انجیل در دعوت به آن که مراد از آن توحید است، متفق‌اند، از این رو با توجه به آنچه گفته شد، تفسیر و معنای کلمه سواء، جمله بعد آن یعنی عبارت ﴿أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾ است. نه آن تفسیرهای باطل مانند اعتقاد به حلول خدا در بدن مریم، فرزندگرفتن خدا و اعتقاد به سه خدا و پرستش اجباری که در ادیان خود وارد کرده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳/۳۹۱).

آیه دیگر که در آن توحید به عنوان عامل وحدت «امت واحده» ذکر شده، آیه ﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾ (الانبیاء/۹۲) است. طبق بیان مفسران (طبرسی، ۱۳۷۷: ۹۹/۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۸۳/۲۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۴۶/۲ و ...) مراد از «امت واحده» امتی است که اختلافی در آن نباشد و همه آن‌ها در اصل توحید متفق‌الکلمه باشند. از این رو هرچند انبیاء از نظر زمان و ...، ویژگی‌ها و روش‌های

متفاوت داشتند، اما همگی در یک خط که توحید، مبارزه با شرک و دعوت مردم به یگانگی و حق و عدالت است گام برمی‌داشتند.

امام علی(ع) به عنوان جانشین پیامبر(ص) نیز از اصل توحید و خدای واحد به عنوان محوری‌ترین عامل وحدت یاد کرده است؛ ایشان در نکوهش دانشمندانی که با وجود خدا، کتاب و پیامبر واحد، اختلاف می‌کنند فرمود:

«تَرَدُّ عَلَىٰ أَحَدِهِمُ الْقَضِيَّةُ فِي حُكْمٍ مِنَ الْأَحْكَامِ فَيَحْكُمُ فِيهَا بِرَأْيِهِ ثُمَّ تَرَدُّ تِلْكَ الْقَضِيَّةُ بِعَيْنِهَا عَلَىٰ غَيْرِهِ فَيَحْكُمُ فِيهَا بِخِلَافِهِ ثُمَّ يَجْتَمِعُ الْقَضَاءُ بِذَلِكَ عِنْدَ إِمَامِهِمُ الَّذِي اسْتَفْضَاهُمْ فَيُصَوِّبُ آرَاءَهُمْ جَمِيعاً وَإِلَهُهُمْ وَاحِداً وَنَبِيِّهُمْ وَاحِداً وَكِتَابَهُمْ وَاحِداً فَأَمَرَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى بِالْاِخْتِلَافِ فَأَطَاعُوهُ أَمْ نَهَاهُمْ عَنْهُ فَعَصَوْهُ أَمْ أَنْزَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ دِيناً نَاقِصاً فَاسْتَعَانَ بِهِمْ عَلَىٰ إِتْمَامِهِ أَمْ كَانُوا شُرَكَاءَ لَهُ فَلَهُمْ أَنْ يَقُولُوا وَعَلَيْهِ أَنْ يَرْضَى أَمْ أَنْزَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ دِيناً تَاماً فَقَصَّرَ الرَّسُولُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْ تَبْلِيغِهِ وَأَدَائِهِ وَاللَّهُ سُبْحَانَهُ يَقُولُ مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ وَقَالَ فِيهِ تَبْيَانٌ كُلِّ شَيْءٍ وَذَكَرَ أَنَّ الْكِتَابَ يُصَدِّقُ بَعْضُهُ بَعْضاً وَأَنَّهُ لَا اِخْتِلَافَ فِيهِ فَقَالَ سُبْحَانَهُ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اِخْتِلَافاً كَثِيراً وَإِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ وَبَاطِنُهُ غَمِيقٌ لَا تَفْنَى عَجَائِبُهُ وَلَا تَنْقُضِي غَرَائِبُهُ وَلَا تُكْشِفُ الظُّلُمَاتُ إِلَّا بِهِ»

(نهج البلاغه: خطبه ۱۸)

در واقع ایشان وجود اختلاف و تنازع را در امتی که دارای خدا، کتاب و پیامبری واحد هستند، امری قبیح و غریب می‌داند.

۲.۲. دین اسلام

اسلام به عنوان مجموعه قوانین الهی که ریشه در فطرت دارد، یکی از محورهای مهم وحدت اسلامی است. در رابطه با این مطلب که دین چگونه موجب وحدت می‌شود، باید گفت که دین همه را به همگرایی فراخوانده و بهره‌گیری از دستورات آن عامل وحدت است. زیرا بر اساس آن، همه برادر خوانده می‌شوند. آیات ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾، ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ مؤید این مطلب است. مفسران (طوسی، بی‌تا: ۵۴۶/۲؛ اندلسی، ۱۴۲۰: ۲۸۶/۳؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۹۰/۶) نیز با تفسیر «حبل‌الله» به دین اسلام به این اعتقاد صحت گذاشته‌اند.

آیه دیگر در این زمینه، آیه ﴿وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعاً﴾ (الروم/۳۱ و ۳۲) است که بر اساس آن دین همیشه عامل وحدت و یکپارچگی در محیط

خود بوده، همان‌گونه که در مورد اسلام و قبایل حجازی و حتی اقوام خارج از جزیره العرب تحقق یافت و به اختلافات آنان پایان داد (مکارم، ۱۳۷۴: ۳۶۲/۲۰).

این مطلب در سخنان امام علی (ع) هم دیده می‌شود، ایشان در یکی از خطبه‌های خود در نهج البلاغه دین را عامل وحدت دانسته و می‌فرماید: «مُنِيَتْ بِمَنْ لَا يُطِيعُ إِذَا أَمَرْتُ وَلَا يُجِيبُ إِذَا دَعُوْا تَنْتَظِرُونَ بِنَصْرِكُمْ رَبِّكُمْ؟ أَمَا دِينَ يَجْمَعُكُمْ» (نهج البلاغه: ۳۱).

۳. قرآن

یکی دیگر از محورهای مهم وحدت اسلامی، قرآن است. گرچه برخی از مسلمانان در تفسیر برخی از آیات اختلاف نظر داشته و برداشت‌های متفاوت دارند؛ اما اصل وجود قرآن به عنوان کتاب واحد، مورد قبول همگان بوده و عامل مهم همبستگی آنان است و هرگاه قرآن و معارف بلند آن از سوی دشمنان تهدید شود، همه مسلمانان با جان و مال از آن دفاع و پاسداری می‌کنند.

یکی از آیات بارز در این باره آیه «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا» است. طبق بیان برخی از مفسران (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۶۷/۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۸/۴؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۳۹۷/۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۷۱/۳) مقصود از «حبل الله» در این آیه، قرآن است که دستور به تمسک به آن داده شده است. شاید به همین دلیل باشد که پیامبر (ص) در حدیث ثقلین از قرآن و عترت به عنوان دو امانت گرانبها یاد کردند (ابن حنبل، بی‌تا: ۳۶۷/۴).

این مسأله نه تنها در قرآن بلکه در بیانات معصومین به‌ویژه حضرت علی (ع) هم دیده می‌شود. چنانکه ایشان در نامه خود به مالک/اشتر، قرآن و سنت نبوی را به عنوان مرجع رفع تنازعات و اختلافات معرفی می‌کند و به وی توصیه می‌کند در مشکلات و سختی‌های امور، به این دو رکن عظیم رجوع کند: «وإردد إلى الله ورسوله ما يضلحك من الخطوب ويشتبه عليك من الأمور فقد قال الله تعالى لقوم أحب ارشادهم: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ (النساء/۵۹) فالرد إلى الله: الأخذ بمحكم كتابه والرد إلى الرسول: الأخذ بسنته الجامعة غير التفرقة» (نهج البلاغه: نامه ۵۳).

۴. پیامبر اسلام (ص)

یکی دیگر از محورهای وحدت امت اسلامی، وجود مقدس پیامبر اسلام (ص) است. نقش ایشان در ایجاد وحدت از دو جهت قابل بررسی است: نخست آنکه مطابق آیه ﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ﴾ (الاحزاب/۴۰)، پیامبر (ص) فرستاده خداوند بوده و تا قیامت نبی همه مردم است. از این جهت به عنوان پیامبر واحد، مورد قبول همه مسلمانان است. دوم آنکه ایشان علاوه بر آنکه رسول خدا است، رهبر جهان اسلام نیز می‌باشد و ناگفته معلوم است که رهبر نقش بنیادی در وحدت دارد.

امام علی (ع) هم در هنگام درگیری با اهل شام و در جنگ صفین، از اختلاف بین مسلمانان اظهار نگرانی نموده و از پیامبر واحد و خدای واحد به عنوان محورهای همگرایی یاد نموده و می‌فرماید: «وکان بدء امرنا أنا التقینا والقوم من اهل الشام والظاهر ان ربنا واحد ونبینا واحد ودعوتنا فی الاسلام واحد» (نهج البلاغه: نامه ۵۷).

۵. مصالح عمومی

از دیگر عوامل ایجاد وحدت، مصالح عمومی است. در جامعه‌ای که اقلیت‌های مذهبی، جناح‌های سیاسی و ... وجود دارند، حقوق فردی و گروهی نیز وجود دارد که ممکن است این حقوق در تعارض قرار گرفته و تنش ایجاد کنند، لذا برای جلوگیری از اختلافات نیاز به محور اتحاد است که حلقه اتصال همه افراد و گروه‌ها می‌باشد. بر همین اساس است که هر گاه مصالح عمومی یک جامعه در معرض تهدید قرار گیرد، مصالح فردی و گروهی نادیده گرفته می‌شود و همه افراد از آن دفاع می‌کنند.

نمونه بارز این مسأله در شیوه برخورد حضرت علی (ع) دیده می‌شود. ایشان علی‌رغم آنکه ولایت را حق مسلم خود دانسته (همان: خطبه ۱۷۰) و بارها از آن دفاع کردند، در برابر خلفای سه‌گانه قیام نکرده، بلکه به مدت ۲۵ سال سکوت اختیار کرده و در مواردی هم با خلفا همکاری نمودند. واقعیت این است که سکوت امام و همکاری او با خلفا در راستای وحدت اسلامی و مصالح عمومی صورت گرفت. زیرا اوضاع سیاسی و اجتماعی صدر اسلام نشان می‌دهد که بعد از رحلت پیامبر (ص) اسلام و مسلمانان دچار مشکلات و بحران‌های خطرناک شده که هر یک از آنها برای اسلام و مسلمانان خطرات جدی

بودند. ظهور پیامبران دروغین، ارتداد و اختلافات شدید بین مسلمانان را می‌توان از جمله آن‌ها ذکر کرد (نک. یعقوبی، ۱۴۱۹: ۱۰۷/۲). در این زمینه برخی از سیره‌نویسان از جمله ابن‌هشام (۱۳۸۵: ۳۱۶/۴) می‌نویسد: «چون پیامبر (ص) وفات نمود، بلا و مصیبت بر مسلمانان شدت یافت، برخی یهودیان سر برافراشته و مسیحیان خوشحالی کردند. اهل نفاق از دین برگشته و اعراب می‌خواستند مرتد شوند. اهل مکه می‌خواستند مجدداً بت پرستی کرده و دین پیامبر را منسوخ نمایند». از این رو در چنین فضایی که دین در خطر است و دشمنان مصالح عمومی مسلمانان را به خطر انداخته و هرگونه اختلاف، باعث ضربه بر پیکر امت اسلامی است، متحدشدن مردم جامعه، ضرورت می‌یابد.

راهکارهای عملی ایجاد وحدت

یکی از مسائلی که در زمینه وحدت باید مد نظر قرار گیرد، این است که تنها مطرح کردن محورهای وحدت کافی نیست، بلکه با الهام از سیره قرآن و اهل بیت (ع)، لازم است که راهکارهای عملی وحدت و انسجام اسلامی مطرح گردد که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

۱. تحکیم مشترکات

بی‌تردید از مباحث مهم در ایجاد وحدت اسلامی، توجه مسلمانان به مبانی فکری و اندیشه دینی آن‌ها است. مسلمانان جهان با وجود تفاوت‌هایی که در فرهنگ ملی، بومی و آداب و رسوم خود دارند، در اصول و مبانی فکری دارای وحدت هستند. اسلام ضمن احترام به تفاوت‌ها و اختلاف‌ها، مسلمانان را متعلق به یک مجموعه وسیع به نام امت مسلمان می‌داند (رضوی، ۱۳۹۰: ۷۷). بنابراین عامل اصلی وحدت همان مشترکات اعتقادی و فکری است که در آیه «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ» (الشوری/۱۳) به آن اشاره شده است.

این امر در نهج البلاغه در عبارت «والظاهر ان ربنا واحد ونبينا واحد ودعوتنا في الاسلام واحدة ولا نستزیدهم في ايمان بالله والتصديق برسوله ولا يستزیدوننا الامر واحد» (نهج البلاغه: نامه ۵۸) هم دیده می‌شود.

۲. تحمل عقاید متقابل (مدارا)

مدارا و اصل احترام متقابل یکی از اساسی‌ترین راهبردهای عملی وحدت اسلامی است که ضرورت آن از قرآن و نهج البلاغه آشکار می‌شود. حضرت علی(ع) در این باره می‌فرماید: «انی اکره لکم أن تكونوا سبّابین (لعانین شتامین تشتمون وتبرئون) ولکنکم لو وصفتهم أعمالکم و ذکرتم حالهم کان أ صوب فی القول وأبلغ فی العذر قلتهم مکان سبکم إياهم اللهم احقن دماءنا ودمائهم وأصلح ذات بیننا و بینهم واهدهم من ضلالتهم حتی يعرف الحق من جهله ویرعوی عن الغیّ والعدوان من لهج به» (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸: ۱۷۱/۱۳).

۳. نقد بدون اهانت

یکی دیگر از راهکارهای عملی وحدت اسلامی، رعایت ادب در نقد است که از دیدگاه قرآن و سیره ائمه معصومان(ع) امری ثابت شده است. از این رو اگرچه در هر مذهب و فرقه برخی اعتقادات ویژه آن مذهب وجود دارد، اما به این معنا نیست که هر گروه به اعتقادات طرف مقابل اهانت کند. در این گونه موارد قرآن شیوه برخورد مؤمنان را مشخص کرده و می‌فرماید: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ صَلَّى عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾ (النحل/۱۲۵). در جای دیگر دعوت به خدا و عمل صالح را مصداق قول حسن معرفی می‌کند. این مسأله در آیات ﴿وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾ (الفصلت/۳۳) و ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ﴾ (الحج/۸) آمده است.

۴. پرهیز از تعصب

پرهیز از تعصب یکی دیگر از راهکارهای عملی اتحاد جوامع اسلامی است. در واقع در قرآن مهم‌ترین عامل گمراهی، پیروی از تعصب‌های کورکورانه دانسته شده و از آن به عنوان یکی از اوصاف جاهلیت نام برده شده است. آیه ﴿إِن جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾ (الفتح/۲۶) بیانگر این مطلب است.

شایان ذکر است که این مسأله از همان صدر اسلام مورد توجه و تأکید قرآن بوده و نژادپرستی، قومیت‌گرایی و تبعیض ناروا و ناپسند نفی و تنها ملاک برتری تقوی دانسته

شده است. این مطلب در آیه ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ (الحجرات/۱۳) آمده است.

۵. خیرخواهی متقابل

خیرخواهی متقابل امت اسلامی، یکی از راهکارهای عملی برای ایجاد وحدت و انسجام اسلامی است؛ به این معنا که امت اسلامی علاوه بر اینکه یکدیگر را مسلمان می‌دانند، از تکفیر هم دست برداشته و از هم حمایت کنند. زیرا اسلام برای هر موضوعی به‌ویژه حرمت مسلمان احترام ویژه قائل بوده و رعایت حق و حقوق متقابل را لازم می‌داند (رضوی، ۱۳۹۰: ۷۹). این مسئله در آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَيَّبْنَا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمْ السَّلَامَ لَسْتُ مُؤْمِنًا...﴾ (النساء/۹۴) بیان شده است.

نتیجه بحث

با توجه به بررسی‌ای که در زمینه وحدت در قرآن انجام شد، این نتیجه حاصل شد که قرآن اگرچه کتاب آسمانی مسلمان است، اما تنها به وحدت اسلامی اهمیت نداده، بلکه وحدت جوامع بشری و وحدت ادیان توحیدی را هم با تأکید بر مصدق هم بودن کتب آسمانی، تعیین ایمان و عمل صالح به عنوان ملاک برتری و ... مورد توجه قرار داده است. اما در عین حال وحدت اسلامی که در میان خود مسلمانان مطرح است، بیش‌تر مورد توجه بوده است. بررسی آیات قرآن در این باره نشان داد که عواملی همچون توحید، قرآن، پیامبر(ص) و ... محورهایی هستند که در ایجاد این وحدت مؤثر هستند. هرچند این عوامل منجر به ایجاد وحدت می‌شوند، اما این در صورتی است که در کنار آن راهکارهایی هم در جهت حفظ و دوام آن ارائه شود. این راهکارها می‌تواند مواردی همچون تحکیم مشترکات، مدارا نمودن در مقابل تفاوت‌های یکدیگر، نقد کردن در عین احترام و عدم توهین به دیدگاه‌های طرف مقابل و ... باشد.

کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

ابن ابی الحدید. ۱۳۷۸ق، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار احیاء الکتب العربیة.

ابن حنبل، احمد. بی تا، مسند احمد، بیروت: دار صادر.

ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو. ۱۴۱۹ق، تفسیر القرآن العظیم، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیه.

ابن هشام، ابومحمد عبدالملک. ۱۳۸۵ش، سیره ابن هشام، مترجم: هاشم محلاتی، تهران: کتابچی.

اندلسی، محمد بن یوسف. ۱۴۲۰ق، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت: دار الفکر.

آلوسی، محمود. ۱۴۱۵ق، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیه.

بحرانی، سید هاشم. ۱۴۱۶ق، البرهان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، تهران: بنیاد بعثت.

حر العاملی، محمد بن حسن. ۱۴۱۴ق، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم: آل البيت لإحياء التراث.

سید بن قطب، ابراهیم. ۱۴۱۲ق، فی ضلال القرآن، چاپ هفدهم، بیروت: دار الشرق.

سیوطی، جلال الدین. ۱۴۰۴ق، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

شاطبی، ابراهیم بن موسی. ۱۴۲۱ق، الموافقات فی اصول الشریعة، مصر: دار ابن عفان.

طباطبایی، محمدحسین. ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.

طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۷۷ش، تفسیر جوامع الجامع، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

طوسی، محمد بن حسن. بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

عیاشی، محمد بن مسعود. ۱۳۸۰ش، کتاب التفسیر، تهران: چاپخانه علمیه.

فخر رازی، محمد بن عمر. ۱۴۲۰ق، مفاتیح الغیب، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

فضل الله، محمدحسن. تفسیر من وحی القرآن، چاپ دوم، بیروت: دار الملائک للطباعة والنشر.

کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب. ۱۳۸۸ش، الکافی، چاپ سوم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

مجلسی، محمدباقر. ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الوفاء.

مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۴ش، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

یعقوبی، احمد بن واضح. ۱۴۱۹ق، تاریخ یعقوبی، بیروت: انتشارات دار الکتب الاسلامیه.

مقالات

رضوی، حنان. «وحدت و انسجام اسلامی از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه»، اندیشه تقریب، سال هشتم، ۱۳۹۰، شماره ۲۹.
شاگری اردکانی، زهره. ۱۳۷۹ش، «مبانی و الگوهای وحدت و تفرقه در قرآن کریم»، دانشگاه تربیت مدرس.

Bibliography

- Alusi, Mahmood, **Rooh Al-Ma'ani fei altafsir Al-Quran al-Azim**, , Beirut, dar alkitab alalmei, First Edition, 1415.
- Andalusi, Mohammed bin Youssef, **Al- bahr al-mohit fei tafsir**, Beirut, Dar alfeqr, 1420.
- Bahrani, hashem, **Al- borhan fei tafsir al-Quran**, Tehran, Be'stat, , First Edition, 1416.
- Fakhr Razi, Mohammad bin omar, **Mafati al-Ghaib**, Beirut, Dar Ehya al-toras al-Arabi, third edition, 1420.
- Fazlullah, Mohammad Hassan, **Tafsir men vahy al-Quran**, Beirut, Dar al-Malak Llatba'at and Al-Nashir, Second Edition, 1419.
- Hor Al-Amoli, Mohammed ibn Hasan, **Wasael al-Shi'a ela al-tahsil masael al-Sharia**, Qom, Al-al-Bait le ahya altoras, 1414.
- Ibn Abi al-Hadid, **sharhe Nahj al-balaghah**, research fellow: Mohammad Abolfazl Ebrahim, Beirut , Dar ehia alkitab Al-Arabiya's, 1378.
- Ibn Hanbal, Ahmad, **Mosnad ahmad**, Beirut, Dar Alsadar, No date.
- Ibn Hasham, Abu Mohammad Abdul Malek, **Sira Ibn Hisham**, Translator: Hasham Mahalati, Tehran, ketabchi, 1385.
- Ibn Kasir Damashghi, Ismail Ben Amr, **tafsir al-Quran al-Azim**, Beirut, dar alkitab alalmei First Edition, 1419.
- Koleini, Mohammad bin Yaghoub, **al-Kafi**, Tehran, Dar al-kotob Al- Islamiyya, Third edition, 1388.
- Majlesi, Mohammad Bagher, **Beharalanvar**, Second Edition, Beirut, Al-Wafa Institute, 1403.
- Mohammad Ben-Masoud, **ketab al-tafsir**, Tehran, Al-elmie Printing, 1380.
- Sayyid bin-Qottb, ebrahim, **Fei zalal al-Quran**, Beirut, dar alshargh, Seventeenth Edition, 1412.
- Shatebi, ebrahim ibn Musa, **Al-Mufaqqat fei al-osool al-Shariah**, Egypt, Dar Ibn Afan, 1421.
- Siouti, Jalal al-Din, **Al-dor al-masour fei tafsir al-Ma'athur** , Qom, Ayatollah Marashi Najafi Library, 14-4.
- Tabarsei, Fazl ibn Hussein, **Tafsir Javame' al-Jama'**, Tehran, Tehran University Publications, First Edition, 1377.
- Tabataba'I, Mohammad Hussein, **Al-Mizan fei al-tafsir al-Quran**, Qom, Islamic Publications Office, fifth edition, 1417.

- Tusi, Mohammad Bin-Hassan, **Al-Tabayan Fei Tafsir al-Quran**, Beirut, Dar Al-Reyat Al-Arabi, No date.
- Yaqoubi, Ahmad ibn Vazeh, **Tarikh Yaghoubi**, Dar al-kobob al-Islamiyyah Publications, Beirut, 1419.
- Makarem Shirazi, Nasser, Tehran, Dar al-kobob al-Islamiyyah Publications, First edition, 1374.
- Razavi, Hanan, "**Islamic Unity and Consistency from the Perspective of the Qur'an and Nahj al-Balagheh**", Andishe Taghrib, Eighth, 1390, Number: 29
- Shakeri Ardakani, Zohreh, "**The Principles and Patterns of Unity and Divorce in the Holy Qur'an**," Tarbiat Modarres University, 1379.